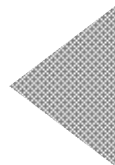


# واکاوی مفهوم زیبایی در فضای شهری



ملیحه ایزدی<sup>۱</sup>

مهسا اکرمی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۴/۱۰/۱۲ - تاریخ تصویب ۹۵/۲/۱۵)

## چکیده

نظام شهری برای زیبایی جایگاه ویژه‌ای را تبیین نموده است. در عصر حاضر، دامنه شهر و شهرنشینی همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی را در بر گرفته است. اعم از آنکه اصولاً فضای شهری را فضایی با تناسب زیبایی‌شناسانه تلقی کنیم، یا اینکه عوامل دیگری را در تعریف فضای شهری دخیل بدانیم، نفس زیبا بودن یک فضای شهری (همانند هر فضا و هر اثر انسانی دیگر) واجد اهمیت درخور توجهی است. بر این اساس فرض این است که برنامه‌ریزی شهری جایگاه ویژه‌ای را برای زیبایی در شهر مدنظر قرار داده است. بر این اساس، پرسش این است که زیبایی در تفکر حاکم بر مکتب شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری چه جایگاهی دارد؟ در برنامه‌ریزی شهری، محوریت شهر به پدید آورنده آن یعنی انسان و ساکنان آن تعریف شده و در نخستین گام برای تعریف شهر از سایر مکان‌های جمعیتی به عوامل اجتماعی مانند امنیت، رفاه و فراوانی و از منظر کالبدی عواملی مانند نظم، زیبایی، تقارن، تباين و استحکام توجه کرده است. روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای است. در نهایت تحقیق حاضر به بررسی مفاهیم زیبایی از دیدگاه‌های مختلف و جایگاه آن در قرآن، اهمیت زیبایی در نظام

۱- دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه، [izadim90@yahoo.com](mailto:izadim90@yahoo.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری (آمایش شهری)، دانشگاه اصفهان،

[akramimahsa@yahoo.com](mailto:akramimahsa@yahoo.com)

شهری و بهره‌گیری از آن به عنوان یک هدف مهم در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری می‌پردازد.

## واژگان کلیدی: شهر، زیبایی، برنامه‌ریزی شهری، فضای شهری.

### مقدمه

شهر متشکل از شبکه‌ای از فضاهای متوالی با کیفیات بصری متفاوت است. این توالی فضایی در صورتی به وجود می‌آید که انسان در طول یک مسیر، فضاهای قابل تمایز از یکدیگر را ادراک کند و آنها را به عنوان فضاهای مرتبط به هم تلقی نماید. فضاهایی که در چنین ترکیب بی‌پایانی شرکت داشته‌اند به طور هم زمان قابل دیده شدن نیستند و در یک توالی بصری ادراک می‌شوند. شهروندان با عبور از این فضاها، ادراک حسی مختلفی را در اثر دریافت پیام‌های متنوع کسب می‌نمایند (حسینی و رزاقی اصل، ۱۳۸۷). شهرها چه در دوره‌های قبل از اسلام و چه بعد از دوره اسلامی همواره جایگاه تمدن و فرهنگ ملل مختلف بوده‌اند. امروزه نیز دامنه نقش شهر و شهرنشینی در تمام بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، بسیار گسترده‌تر از گذشته شده است. شهرنشینی در طول قرن‌های گذشته و به خصوص با ورود اسلام، فراز و فرودهای متعددی داشته است. توجه اسلام به شهر و شهرنشینی و تقدس شهرها سبب شد تا بیشترین رشد شهرنشینی در چهار قرن اول ظهور اسلام در کشورهای اسلامی و به ویژه کشور ایران رخ دهد. از این منظر، شهر در جایگاه بسیار بلندی قرار گرفته که در قاموس هیچ اندیشه و مکتبی با این عظمت از آن یاد نشده است (صارمی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). انسان بنا به سرشت ذات خود، نیازهای فراوانی مانند غذا، سکونت، امنیت (فردی، خانوادگی، اجتماعی، شغلی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اعتقادی)، عبادت، زیبایی، کمال و ... دارد. اختلال در هر یک از این نیازها، مسیر حرکت انسان را تغییر خواهد داد. تمامی ابعاد نیاز انسان مانند دانه‌های زنجیر در ارتباط با یکدیگرند و کاهش سطح هر یک از این وجوه، بر سایر ابعاد تأثیر خواهد گذاشت. به عنوان مثال اگر حس زیباجویی انسان دچار اختلال شود، دیگر ابعاد هم دچار اختلال می‌شود. امروزه کم‌توجهی به یکی از این نیازها (زیبایی)، زندگی انسان‌ها را در محیط زندگی شهری مورد تهدید قرار داده است. انواع آلودگی‌های زیست محیطی، آلودگی بصری شامل شهرها و اغتشاش در فضاهای شهری، بخشی

از این تهدیدها محسوب می‌شوند (صارمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

اصولاً این زشتی‌ها، نتیجه عدم آشنایی پدیدآورندگان فضاها و عناصر شهری با مفهوم زیبایی در کنار رواج سلطه روحیه سوداگری و سیطره تفکر و روش مادیگرایانه مأخوذ از بیگانه بر بسیاری از فعالیت‌های شهری از جمله آموزش، طراحی، برنامه‌ریزی، ساخت و سازها، رفتارهای فردی، اجتماعی و استحاله مفاهیم و ارزش‌ها است (سلسله، ۱۳۸۸: ۴۸). بسیاری از آنها معیارها و مصادیق زیبایی در تفکر و فرهنگ اسلامی و ایرانی را نمی‌شناسند و گروهی به آن باور ندارند. آنها نمی‌دانند که شهر را باید از ابتدا با معیارها و بر اساس اصول زیباشناسانه (آن هم با اصول و معیارهای خودی) طراحی و آن را زیبا خلق کرد. نه این که اجازه داد زشتی‌ها پدید آیند، رشد کنند، خود را به جای زیبایی معرفی و مطرح کنند، در جان و روح اهل شهر ریشه بدوانند، روح و اخلاق و نگرش مردم را تخریب کنند، به عنوان معیاری مطلوب مطرح شوند، بسیاری از مردم از آنها پیروی کنند به زعم برخی افراد به عنوان واقعیت‌های غیر قابل انکار درآیند و آنگاه، پس از تثبیت زشتی‌ها، برای زیبا کردن این زشتی پدید آمده، اقدام شود که این اقدامات نیز عموماً فاقد مبانی نظری متقنی هستند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳). زیبایی، جایگاه ویژه‌ای را در همه عرصه‌های زندگی و شهرها تعریف کرده است و محور قرار دادن زیبایی می‌تواند یکی از متغیرهای مهم در تحول شهرها گردد. بر این اساس، پرسش این است که از منظر قرآن، زیبایی در تفکر حاکم بر مکتب شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری چه جایگاهی دارد؟ هدف این مقاله بررسی مفهوم زیبایی و جایگاه آن از دیدگاه قرآن و اسلام و بهره‌گیری از آن در شهرها می‌باشد.

## روش پژوهش

تحقیق حاضر، پژوهشی «توصیفی - تحلیلی» است و در حوزه مطالعات میدانی، با ابزار کتابخانه‌ای و گردآوری داده به صورت «پرسشنامه» می‌باشد که در قالب مطالعه‌ای کاربردی، به تجزیه و تحلیل داده‌های مورد بررسی می‌پردازد.

## مبانی نظری و یافته‌های پژوهش

### مفهوم زیبایی

واژه "زیباشناسی" (استتیک) ریشه یونانی داشته و به معنای دریافت است. هدف زیباشناسی این

است که چگونگی محیط اطراف و جایگاه شخص در محیط اطراف را به معنای واقعی درک کند (گروتر، ۱۳۸۹: ۳۵). واژه زیباشناسی را در سال ۱۷۵۰ الکساندر بلوم گارتن برای بیان مفهوم سلیقه در هنرهای زیبا ابداع کرد (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۵۰). زیبایی‌شناسی که در فارسی معادل علم جمال است، رشته‌ای از روان‌شناسی است که هدف آن شناساندن جمال است و درباره مجموعه انفعالات و احساسات درونی انسان و ادراکات وی و درباره زیبایی و زشتی گفتگو می‌کند. زیبایی‌شناسی به طور عام اصطلاحی مربوط به شناخت و درک مفاهیم زیبایی است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۲). اگرچه گاهی زیباشناسی را معادل فلسفه هنر می‌گیرند، اما بعضی نیز معتقدند که زیباشناسی میدان وسیع‌تری دارد و فلسفه هنر، بخشی از زیباشناسی است (اسکرانتز، ۱۳۸۹: ۷۷). گرایش به زیبایی نشان می‌دهد که همزمان با شکوفایی فرهنگ، نظم و قاعده‌ای به وجود آمد که هدف آن ایجاد تفاوت میان انتظارات شخصی و عمومی بود (گروتر، ۱۳۸۹: ۱۹). پرداختن به امر زیبایی و توصیف و تحلیل و معرفی آن، از اموری است که علی‌الظاهر امری سهل به نظر می‌رسد. این احساس از آنجا ناشی می‌شود که جملگی انسان‌ها به زیبایی علاقمند بوده و همواره و به انحاء مختلف در پی برقراری تماس با آن از طریق تملک اشیاء زیبا، از راه حضور در فضاهای زیبا، از طریق احساس (مشاهده و شنیدن و لمس و بوئیدن) پدیده‌های زیبا، از راه خلق آثار زیبا، از طریق اظهارنظر در مورد زیبایی همه اشیاء و مفاهیم و تقسیم آنها به زیبا و نازیبا، و بالاخره از طریق گفتگو (گفتن و شنیدن) در مورد زیبا و زیبایی هستند. زیستن در فضایی عینی و ذهنی که زیبایی (قطع نظر از تعریف یا مرتبه مدنظر آن) یکی از اصولی‌ترین ویژگی‌های آن است، خواست و تمایل جمله آدمیان است. در عین حال، وجود مراتب متنوع و پیچیده‌ای که برای زیبایی متصور و مطرح است، اظهارنظر در مورد زیبایی را دشوار می‌کند. این دشواری تا جایی است که در طول تاریخ، عده‌ای رایه تعریفی از زیبایی را ناممکن شمرده‌اند. برخی دیگر، اصولاً زیبایی را در مقولات خاص و به ویژه در قلمرو هنر مطرح می‌کنند. گروهی نیز تنها بر زیبایی بصری متمرکز شده و پهنه زیبایی را در مشاهدات انسان محدود می‌کنند (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۷۹ الف).

نیاز به زیبایی جزء ناشناخته‌ترین نیازها می‌باشد، مازلو معتقد است که این نیاز در بعضی افراد وجود دارد. اینگونه افراد با دیدن زشتی، بیمار می‌شوند و با قرار گرفتن در محیطی زیبا، بهبود می‌یابند. نکته‌ای که باید در مبحث زیبایی‌شناسی مورد توجه بگیرد تنوع‌طلبی است. انسان از

یکنواختی محیط، احساس رکود و افسردگی می‌نماید. اگرچه محیط او زیباترین منظره یا اثر هنری باشد. چنانچه نگاهبانان آثار هنری که مأموریت نگهداری دائمی از آنها را دارند، از تماشای آن آثار لذتی نمی‌برند. جای تردید نیست که هر انسانی و هر قوم و ملتی از انسان‌های با نظر به چگونگی تفسیر و توجیهی که درباره حیات خود دارند و با نظر به فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، حقایقی را به عنوان آرمان‌ها و ایده‌های اعلاء برای خود پذیرفته‌اند. این آرمان‌ها و ایده‌ها اگر از سنخ عظمت‌های معقول مانند: عدالت و آزادی و نظم و صدق و اخلاق و فداکاری و سایر تجلیات تکاملی روح بوده باشند، تحقق و انطباق آنها در زندگی عینی انسان‌ها، زیبایی عقلانی نامیده می‌شود و اگر از سنخ ترکیبات و کیفیات محسوس باشند، زیبایی حسی نامیده می‌شود (پاکراد، ۱۳۸۵: ۳۷). زیبایی از منظرها و با معیارهای متنوعی دسته‌بندی می‌شود. برای نمونه، می‌توان از تقسیم زیبایی و به زیبایی معنوی و زیبایی مادی، زیبایی معقول و زیبایی محسوس، زیبایی حقیقی و زیبایی کاذب، یا زیبایی طبیعی و زیبایی هنری، سخن گفت. استاد به هر کدام از این دسته‌بندی‌ها که ملاک عمل قرار گیرند، منوط به وضوح تعریف برخی موضوعاتی است که مهمترین و اصلی‌ترین موضوع، قلمرو و فضای فکری‌ای است که اصول و معیارهای برآمده از آن به عنوان عامل تشخیص و تصمیم‌گیری انسان در دسته‌بندی مورد نظر از زیبایی، ایفای نقش می‌کنند.

#### جدول (۱) - مفهوم زیبایی از دیدگاه برخی فلاسفه

مفهوم زیبایی	نظریه پردازان
تنها زیبایی موجود در طبیعت را زیبایی حقیقی و اصیل دانسته و سایر مراتب زیبایی و به خصوص زیبایی خلق شده از سوی انسان (هنرمندان) را تقلیدی از آن زیبایی اصیل می‌داند.	افلاطون
زیبایی در طبیعت محصول کردار ریاضی طبیعت است که به نوبه خود محصول خاصیت وجودی هر موجودی است.	نیوتن
زیبایی خلق شده از سوی هنرمند را زیبایی برتر می‌داند.	هگل
آنچه به طور عام خوشایند و بدون مفهوم است.	کانت
به طور ما تقدم نمی‌توان تعریف مادی برای زیبایی تعیین کرد.	لایاند
چگونگی درک زیبایی را بیشتر لفظی می‌داند تا معنایی.	رویین پاکباز
زیبایی نمود یا پرده‌های نگارین و شفاف است که روی کمال کشیده شده است.	علامه جعفری

مأخذ: یافته‌های نگارندگان

در توضیح مطلب می‌گوئیم: زیبایی واجد مراتبی است که انسان بنا به باورهای خویش، یک یا چند یا همه مراتب را به عنوان زیبایی می‌شناسد. برخی زیبایی را تنها در بُعد صوری و ظاهری آن خلاصه و محدود می‌کنند. این تفکر برخاسته از جهان بینی‌ای است که به عالمی ماورای عالم حس و تجربه باور ندارد. این جهان‌بینی، اصولاً انسان را چیزی جز حیات مادی‌اش نمی‌داند و طبیعی است که وقتی زیباترین انسان را، انسان خوش‌سینما و خوش صورت بداند، در نتیجه برای زیبایی نیز تنها صوری قائل است و اما برعکس، جهان‌بینی و تفکری که برای انسان وجهی روحانی قائل است (وقتی که انسان را به استاد کلام خداوند زیبا می‌داند)، هم برای زیبایی، هر دو وجه مادی و معنوی را قائل است، و هم این که زیباترین زیبایی (یا مرتبه والا و بالای زیبایی) را زیبایی معنوی می‌داند. در ریشه داشتن همه زیبایی‌ها در زیبایی الهی و ارجاع جملگی زیبایی‌ها به جمال الهی آمده است: هر چه زیبایی است همه از اوست و هر چه خوبی و روشنایی است، همه نزد اوست و او همه زیبایی است و همه‌اش زیبایی است (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۵۷).

### مفهوم زیبایی در قرآن

زیبایی موضوع یا مفهوم و یا حقیقتی است که تمایل انسان به آن با خمیره او سرشته شده و بنا به تعبیر علامه طباطبایی انسان مفطور به حب جمیل است. قدیمی‌ترین آثار فلاسفه، زیبایی را همراه با حقیقت و خوبی، سه اصل جهانی مورد علاقه و احترام همه انسان‌ها معرفی می‌نماید (نقی‌زاده، ۱۳۸۱). در اندیشه هنر اسلامی، زیبااندیشی و زیباسازی در سرور، شادابی، طراوت و امنیت تأثیرگذار است. امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع) می‌فرماید «ان الله جمیل یحب الجمال و یحب ان یری اثر نعمته علی عبده»؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده‌اش ببیند (فیض کاشانی: ۹۳). یکی از ابعاد فطری انسان، زیباجویی است. دامنه زیبایی، دامنه‌ای گسترده است که پهنای آن به عظمت همه جهان مادی و غیر مادی می‌رسد. تجلی اندیشه‌های زیبا در کالبد جهان به تصویر در می‌آید و همین اندیشه زیباجویی دین مبین اسلام است که هزاران اثر هنری مادی و معنوی، اعم از معماری، شهرسازی، شعر، خط و ... را به ظهور رسانده است.

مرحوم علامه محمدتقی جعفری در کتاب زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام می‌فرماید: «در دنیای ما موضوع زیبایی که خداوند متعال در دیدگاه ما قرار داده است، موضوعی اصیل است، نه این که

بشر آن را به طور غیر واقعی از جانب خودش مطرح کرده باشد. در واقع تشخیص زیبایی و رفتن به دنبال زیبایی، ریشه در روح ما دارد. شاید یک علت بسیار مهم برای خلق زیبایی‌هایی که خداوند در طبیعت آفریده یا در درون ما به ودیعت نهاده است، این باشد که اساساً روح در این دنیا بدون دریافت زیبایی نمی‌تواند آرام بگیرد و دوام بیاورد». همچنین می‌فرماید: «معنای زیبایی و جمال، حقیقتی است که در برابر درک آدمی نهاده می‌شود و موجب تحریک شهود، ذوق و یا احساس خاص «زیبایی» می‌گردد و یا در وضع روانی آدمی انبساطی به وجود می‌آورد و حد اعلا‌ی زیبایی نمودی است نگارین و شفاف که بر روی کمال کشیده شده است و کمال عبارت است از قرار گرفتن هر موضوعی در مجرای بایستگی‌ها و شایستگی‌های خود» (جعفری: ۱۳۶۹، ۲۸۰).

### جدول (۲) - انواع زیبایی در قرآن

انواع زیبایی در قرآن	مصادیق
۱. زیبایی آسمان با ستارگانش	<p>انا زینا السماء الدنيا بزينة الكواكب (سوره الصافات، آیه ۶)؛ ما آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراستیم.</p> <p>و زینا السماء الدنيا مصابيح (سوره ملک، آیه ۴)؛ و پایین‌ترین آسمان را با چراغ‌هایی بیاراستیم.</p> <p>ولقد جعلنا فی السماء بروجاً و زیناهاً للناظرین (سوره فرقان، آیه ۶۱)؛ و ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان بیاراستیم.</p> <p>افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها و زیناهاً و مالها من فروع و الارض مددناها و القینا فیها رواسی و انشأنا فیها من کل زوج بهیج (سوره ق، آیه ۶)؛ مگر آسمان را بر فراز سرشان نمی‌نگرید که چگونه نمایش نهاده‌ایم و آن را آراسته‌ایم بی‌آنکه مشکانی در آن باشد و زمین را بگسترده‌ایم و کوه‌های بلند در آن بیفکنده‌ایم و گیاهان گوناگون با طراوت در آن برویاندیم.</p>
۲. زیبایی مناظر طبیعی روی زمین	<p>... و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت و ابنتت من کل زوج بهیج (سوره حج، آیه ۵)؛ زمین را خشک و مرده می‌بینی اما زمانی که باران بر آن بفرستیم به حرکت می‌آید و رشد می‌کند و انواع گیاهان زیبا را برویاند.</p> <p>الم تر ان الله انزل من السماء ماء فتصبیح الارض محضره ان الله لطیف خبیر (سوره حج، آیه ۶۳)؛ آیا ندیدی که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و زمین سبز و خرم شد و خداوند دقیق و آگاه است.</p> <p>امن خلق السموات و الارض و انزل لکم من السماء ماء فابنتنا به حدائق ذات بهجه (نمل، آیه ۶۰)؛ آیا آنکه آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان برای شما آبی نازل کرد که با آن باغ‌های</p>

انواع زیبایی در قرآن	مصادیق
	<p>خرم رویانیدیم که رویاندن درختانش کار شما نبود. و الارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل زوج بهیج (سوره ق، آیه ۷)؛ و زمین را بگستریدیم و کوه‌های بلند در آن بیفکنندیم و گیاهان گوناگون با طراوت در آن برویاندیم.</p>
<p>۳. زیبایی جانداران</p>	<p>و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون (سوره نحل، آیه ۶)؛ در آمد و شد چهارپایان در صبح و شام برایتان زینت است.</p>
<p>۴. زیبایی ترکیب انسان و صورت او</p>	<p>لقد خلقنا الانسان فی احسن التقویم (سوره تین، آیه ۴)؛ ما انسان را به نیکوترین صورت و سیرت آفریدیم. ... و صورکم فاحسن صورکم... (سوره تغابن، آیه ۳)؛ و شما را صورت بخشید و صورت‌هایتان را نیکو ساخت. فتبارک الله احسن الخالقین (سوره مومنون، آیه ۱۴)؛ پاک و بزرگوار خدایی که نیکوترین آفرینندگان است.</p>
<p>۵. زیبایی آرمان‌های معقول الف) عفو و اغماض ب) صبر ج) جدایی و مفارقت د) زیبایی ایمان</p>	<p>و ان الساعه لاتیة فاصفح الصفح الجمیل (سوره الحجر، آیه ۸۵)؛ و روز رستاخیز قطعاً فرا خواهد رسید. با عفو بخشش زیبا از لغزش‌های مردم در گذر. فاصبر صبرا جمیلا (سوره المعارج، آیه ۵)؛ شکیبایی نما، شکیبایی زیبا. و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرا جمیلا (سوره مزمل، آیه ۱۰)؛ به آنچه می‌گویند بردبار باش و از آنان دوری گزین، دوری و جدایی زیبا. و لکن حبیب الیکم الایمان و زینة فی قلوبکم و کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان (سوره حجرات، آیه ۷)؛ ولی خداوند متعال ایمان را به دل‌هایتان محبوب نموده و ایمان را در دل‌های شما با زیبایی بسیار است و کفر و فسق و معصیت را برای شما زشت و کراهت‌بار ساخت. فان امنوا بمثل ما امنتم به فقد اهتدوا و ان تولوا فانما هم فی شقاق نسیکفیکهم الله و هو السميع العلیم. صبغہ الله و من احسن من الله صبغہ و نحن له عابدون (سوره البقره، آیه ۱۳۸)؛ اگر آنان همانگونه که شما ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، پس هدایت شده‌اند و اگر از ایمان رویگردان شوند جز این نیست که آنان در اختلاف و پراکندگی خواهند بود. خداوند در برابر آنان برای تو کفایت می‌کند و اوست شنوا و دانا. ایمان زیبایی خداوند است و کیست بهتر از خداوند در ایجاد نقش زیبا و ما عبادت کنندگان او هستیم.</p>

مأخذ: یافته‌های نگارندگان



هنر می‌تواند انسان را طالب کند، و زیبایی انسان را مبهوت می‌کند. طلب در اثر مواجهه با زیبایی پیدا می‌شود. یکی از خواص زیبایی این است که به انسان چشم می‌دهد، نفس مواجهه با زیبایی، چشم است یعنی به محض اینکه انسان با زیبایی مواجه می‌شود یک چشم تازه پیدا می‌کند. بنابراین زیبایی باعث چشم می‌شود، زیبایی باعث می‌شود که انسان عوالم تازه‌ای و آیات کبری را بتواند ببیند. زیبایی باید در جزء جزء زندگی آورده شود در کلمات، رفتار، حرکات، لباس، خانه و ... به تناسب آن آورده شود.

زیبایی اولاً مایه سلامتی جسم و جان ما است، جسم ما در اثر مواجهه و معاشرت با زیبایی سلامت می‌شود، چون بسیاری از بیماری‌ها به علت ناسلامتی روح است و زیبایی یکی از عوامل تقویت‌کننده است وقتی که به حقیقت معنای زیبایی نزدیک می‌شویم، شاد و خوش می‌شویم و خود با تمام بیماری‌ها مبارزه می‌کند. شهر، مردم در زیبایی تأثیر دارند. ساختمان‌های ناموزون زیبایی را از بین می‌برد و روح مردم را خسته می‌کند. باید هر کسی به اندازه ظرفیت و توانایی خود محیط را زیبا کند و در زیبایی آن بکوشد. زیبایی در راه رفتن، اخلاق، کوچه و چه بهتر در شهر ما باید وجود داشته باشد. فرهنگسرا نمونه‌ای است در آن تناسب، توازن، ذوق، هنر، زیبایی و ضمناً معنویات در آن وجود دارد که سبب شادی مردم می‌شود و به زیبا شدن و رفع مشکلات کمک می‌کند (سخنرانی الهی قمشه‌ای).

### رابطه شهر و ارتباط آن با زیبایی

«شهر زیبا» بستر اولیه برای ارتقای شاخص‌های توسعه شهری است. علاوه بر این، احساس زیبایی در میان شهروندان از عوامل مهم و فزاینده در تغییر رفتار آن‌هاست. پایه و اساس هنر و شهرسازی به عنوان یکی از مظاهر طبیعت، زیبایی است. شهرها، در هر جامعه‌ای پیش از آن که محصول نقشه و آهن و بتن باشند، از عناصر فرهنگی حاکم بر آن جامعه شکل می‌گیرند. اگر بتوان این عناصر را از فرهنگ اسلامی اخذ و بر جامعه حاکم کرد، آن گاه سیمای شهرها و عرصه‌های عمومی و خصوصی با حیات معنوی و مادی آمیخته و امنیت، عدالت و فراوانی زندگی را با خود همراه می‌کند و شهرسازی شکل خواهد گرفت.

شهر، محل زندگی، کار و تفریح شهروندان است. بخشی از رفتارهای انسان از محیط شهر گرفته می‌شود. اصل طبیعت بدون دخل و تصرف انسان واجد زیبایی است، اما با دخل و تصرف انسان،

ممکن است به زیبایی آن افزوده شود و یا به سمت زشتی سوق یابد. خداوند متعال این زینت‌ها را برای این دنیا و انسان‌های ساکن در آن در نظر گرفته و زیبایی‌های کامل آن را برای نیکوکاران در جهان دیگر وعده داده است.

یکی از مطالعات اصلی این است که چرا شهر باید زیبا باشد؟ بر این اساس زیبایی یعنی چه؟ و در چه عناصر و فضاهای شهری زیبایی اهمیت بیشتری دارد؟ زیبایی یکی از نیازهای اصلی انسان‌ها است که هر یک از وجوه مختلف (صوری، معقول، معنوی) آن در ساخت‌های مختلف زندگی جایگاه و مصداق ویژه خود را دارند و هر کسی نیز به نوعی در پی تحصیل و ادراک زیبایی است. شهرها (متشکل از عناصر، اجزاء، فضاها، عملکردها و قوانین حاکم به انضمام روابط جاری در شهر و هویت آن) به عنوان بزرگترین مجموعه‌ها و آثار انسانی بر کره زمین که ظرف فعالیت‌های انسانی هستند، می‌توانند و باید جلوه‌های متنوع زیبایی را به انسان القاء کنند و اصولاً هر چقدر و هر گونه که شهر و محیط زندگی بتواند مراتب زیبایی را به ساکنین خویش القاء کند، به همان نسبت می‌تواند به آرامش و سعادت و تعادل اهل خویش مدد رساند و مشکلات جاری زندگی را برای آنان قابل تحمل‌تر نماید، این نظر که «اصولاً فضای شهری، فضایی است که واجد زیبایی باشد» (کریر، ۱۳۷۵)؛ یا به عبارت دیگر «هر فضایی در شهر را نمی‌توان فضای شهری دانست، مگر آن که بر اساس قواعد زیبایی‌شناسی شکل گرفته باشد» (توسلی، ۱۳۷۲: ۳)؛ تبیین‌گر رابطه شهر و زیبایی هستند. از این منظر، فضای شهری، فضایی است که زیبا باشد و معیارهای زیبایی‌شناسانه در ایجاد آن دخالت داشته باشند و این یعنی: مترادف بودن طراحی شهر با خلق فضای زیبای شهری. طبیعی است که با پذیرش این نظریه، نباید جهان‌بینی و تفکری را که بنیاد «قواعد زیبایی‌شناسی» خواهد بود، مغفول نهاد و در حقیقت این جهان‌بینی است که معیارهای زیبایی فضای شهر را سامان خواهد داد و فضاهای شهری در تمدن‌های مختلف را متمایز خواهد نمود. بنابراین تقلید از قواعد زیبایی‌شناسی دیگران زمینه‌ساز از خود بیگانگی و بحران هویت خواهد شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۱).

در روند ایجاد محیط و فضای زیبا در شهر توجه به نکات زیر به عنوان اساس کار ضرورت دارد: باید توجه کرد که مفاهیمی چون زینت و تزئین و آرایش، جایگزین زیبایی نشوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۴ ب). در زیباسازی شهر یا ایجاد شهر (فضا و محیط) زیبا، نباید تنها بر زیبایی صوری متمرکز بود و سایر مراتب زیبایی را مغفول نهاد. در حقیقت مجموعه مراتب زیبایی یک شهر

باید علاوه بر ادراک حسی انسان و ابزار این ادراک، سایر قوای مدرکه او را نیز متأثر نموده و در واقع، علاوه بر ادراک حسی، ادراکات روانی و معنوی و باطنی انسان نیز باید زیبایی شهر را به انسان القاء کنند. زیبایی باید بومی و ملی (برآمده از فرهنگ و جهان‌بینی جامعه) و به عبارت ساده «با هویت» باشد و به تعبیر دیگر هویتش با هویت جامعه هماهنگ باشد تا جامعه بهتر بتواند آن را درک و با آن رابطه برقرار کرده و در اثر تماس با آن احساس هویت و استقلال نماید. بزرگ‌ترین اشکال تکرار و تقلید الگوهای زیبایی مأخوذ از الگوهای بیگانه (یا زیبایی‌های خلق شده با معیارهای اجنبی)، ایجاد بحران هویت و از خود بیگانگی و احساس حقارت در جامعه است. معیارهای مراتب مختلف زیبایی باید در دسترس و مورد شناخت طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران و اهل شهر باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ساحتی از حیات انسان که زیبایی، ما بازاء و مرتبط با آن است وجود داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۹۳-۲۹۰).

موضوع بسیار مهمی که امروزه رایج است، موضوع «زیباسازی» شهر از طریق برخی تزیینات بسیار ابتدایی و ظاهری است، تا جایی که حتی تابلوهای بزرگ تبلیغاتی که مروج مصرف و در بسیاری موارد مبلغ فرهنگ بیگانه و حتی اهانت به فرهنگ بومی هستند نیز در قلمرو زیباسازی شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مقوله باید توجه کرد که اولاً نباید اجازه داد که شهر زشت طراحی، برنامه‌ریزی و ساخته شود. تا سپس ناچار به زیباسازی آن و به تعبیری آرایش و بزک کردن آن مجبور شد. ثانیاً در زیباسازی شهر باید زشتی‌ها را شناخت و در امحا آنها همت گماشت تا شهر زیبا شود، نه این که به طریقی زشتی‌ها را به نحوی استتار کرد که در بدو امر ادراک نشوند. از نمونه‌های قابل توجه در زشت کردن شهرها همانگونه که یاد شد، وجود انواع تابلوها و تصاویر تبلیغاتی است که تأثیر بسزایی در تقلیل کیفیت محیط و زیبایی آن دارند. اینها نه تنها با اهداف انسانی در تضاد بوده و معنویت و ارزش‌های متعالی فرهنگ انسانی را به شدت تهدید می‌نمایند، که این شیوه جاری در تبلیغات ارزش‌های فرهنگی جامعه را که قرن‌ها حافظ هویت جامعه و عامل استقلال و خودکفایی ملتی بوده‌اند، نابود می‌کند. ارزش‌ها و اصولی چون قناعت، بومی‌گری، احتراز از خودنمایی و ... (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۹۳-۲۸۰). جدول (۳) مقایسه زیبایی در شهرهای سنتی و مدرن را مطرح می‌نماید.

جدول (۳) - مقایسه زیبایی در شهرهای سنتی و مدرن

عوامل	معماری و شهرسازی سنتی	معماری و شهرسازی متجدد (مدرن)
درونی	طبیعت گرایی مردم گرایی توجه به معبود منافع جمعی هویت پشتوانه تفکر	ماشین گرایی انسان محوری توجه به خود منفعت طلبی فردی عدم هویت عدم پشتوانه تفکر
ظاهری	ظرافت نظم ساده	عظمت آشفته‌گی پیچیده

منبع: (رفیقدوست، شهبان، ۱۳۸۷:۱۵۶ و نگارندگان)

تقسیم‌بندی ابعاد زیبایی در شهر

اعم از آنکه اصولاً فضای شهری را فضایی با تناسبات زیبایی‌شناسانه تلقی کنیم، یا اینکه عوامل دیگری را در تعریف فضای شهری دخیل بدانیم، نفس زیبا بودن یک فضای شهری (همانند هر فضا و هر اثر انسانی دیگر) واجد اهمیت درخور توجهی است. این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که انسان، علاوه بر آنکه میل دارد در فرایند خلق ساخته‌های خویش اصول و معیارهای زیبایی‌شناسانه را رعایت کرده و اثری زیبا بیافریند، حضور در یک فضای زیبا را به حضور در فضاهای زشت ترجیح می‌دهد. اصولاً، حضور در یک فضای زیبا و تماس با زیبایی تأثیرات مطلوبی بر ارتقای کیفیت حیات دارد و این‌ها برآمده از حس زیباپرستی، زیبادوستی و زیباطلبی انسان است. یک فضای زیبا، حتی می‌تواند از ظهور تعاملات اجتماعی ناروا و نامطلوب جلوگیری نموده و تعاملات زیبا را گسترش داده و تشویق کند. بنابراین، با هر تعریفی از فضای شهری، زیبا بودن آن واجد اهمیت اساسی و مدنظر طراح و مورد انتظار استفاده‌کنندگان است. در نتیجه خلق فضای شهری، با هنر و به تبع آن با زیبایی ارتباطی ناگسسته دارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹:۱۴۷).

انسان موجودی است با نیازهای عاطفی ذاتی. برخی افراد به خودی خود این نیاز را دارا می‌باشند که با برنامه‌ریزی به دنبال جلب رضایت احساسی آن افراد می‌باشیم. آگاهی از زیبایی‌شناسی به

منزله یک برنامه ذهنی شهودی است که به دلیل ارزش زنده ماندن آن توسط مکانیزم انتخاب طبیعی توسعه یافته است. این نشان می‌دهد که یکی از برنامه‌های مرتبط با امکانات طبقه‌بندی شده فرم مغز را پایه و اساس درک زیباشناسی تشکیل می‌دهد. تعامل مردم با محیط زیست شهری در مورد زیباشناسی در این مورد پیشنهاد شده است که نیاز به زیبایی به سادگی نیاز به ادراک بصری است. درک و لذت ما از محیط شهری بر دو اصل روانی- فیزیکی زیر استوار است: الف- اصل پاسخ به پدیده‌ای جدید و تازه، ب- اصل پاسخ به تکرار و یا الگوها (Mokhtar, 2007:77). اگر موضوع زیبایی‌شناسی را از معماری به کل شهر و از آنجا به شهرسازی تعمیم دهیم، باید ببینیم چگونه می‌توان شهری را از نظر زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار داد. نخستین نکته در این باره این است که به واقعیت شهر، یعنی آن گونه که شهر با کالبد آن در فضا می‌شکفتد، بنگریم. پس نقشه‌هایی که شهر را فقط در دو بُعد مصور می‌کنند و در اکثر موارد نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند اگرچه برای این منظور لازم‌اند، ولی کافی نیستند. برای دریافتن واقعیت شهر باید آن را در وادی دو بعدی نگریست. هنگامی که مفهوم فرا دو بعدی شهر را پذیرفتیم، می‌توانیم به دیدن شهر پردازیم و با این دیدن زیبایی و نیز زشتی آن را بشناسیم (مزینی، ۱۳۸۱:۶۵). درک زیباشناسی از محیط شهری اساساً بصری و وابسته به زیبایی است، با وجود این تجربه، محیط‌های شهری همه حس‌های ما را دربر می‌گیرد و در بعضی شرایط شنوایی، بویایی و بساواپی می‌توانند مهم‌تر از بینایی باشند. همان طور که عقاید زیبایی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی ساخته می‌شود، پس زیبایی باید حداقل در بخشی بیشتر از سادگی در ذهن مشاهده کننده قرار بگیرد. تشخیص این موضوع مهم است که سلیقه و ذوق کلی عموم برای محیط‌های ویژه گسترده‌تر از ملاک و معیار زیبایی است (Miess, 1990:79).

چک نسر پنج خصوصیت از محیط‌های دوست داشتنی را مشخص می‌کند. از دید او محیط‌های نامطلوب برعکس این ویژگی‌ها را دارند. در هر حالت، آن ویژگی‌هایی که برای مشاهده کننده مهم می‌باشد در زیر ذکر شده است:

۱- تمیزی و نگهداری خوب؛

۲- اصالت تاریخی داشتن؛

۳- نظم داشتن؛

۴- رنگ طبیعی داشتن؛

۵- فضاهای باز و تعریف شده (Nasar, 1998:28).

همان طور که تجربه ما از محیط‌های شهری یک فعالیت پویا است که با حرکت و زمان درگیر است، تجربه زیباشناختی ناشی از حرکت در طول فضا نیز یک بخش مهم از بعد بصری درک منظر است. محیط به عنوان یک سکانس پویا، زودگذر و در حال آشکار شدن، تجربه می‌شود. "گوردن کالن" در باب جنبه‌های بصری منظر شهری بیان می‌کند که این تجربه نوعاً مجموعه‌ای از کشش‌ها و مکاشفه‌ها است با جذابیتی که به وسیله تضادها ایجاد می‌شود، او اهمیت ویژه‌ای در کشش اینجا و آنجا دید، و این موضوع را مورد توجه قرار داد که محیط شهری باید از نقطه دید شخص در حال حرکت طراحی شود. مجموعه‌ای از اصلی‌ترین معیارهای ارزیابی بر اساس مفاهیم زیبایی‌شناسی شهری، حرکت و دیدهای متوالی در منظر شهری شامل این موارد است:

### ۱- توالی فضایی

از نظر گوردون کالن، توالی کلیدی‌ترین معیار در تجربه زیبایی یک منظر می‌باشد. توالی در اندیشه کالن با مفهوم حرکت ارتباط می‌یابد به طوری که در مقدمه کتاب خود اشاره می‌کند که «هر چند عابر پیاده در داخل شهر با سرعت ثابت حرکت می‌کند، ولی مناظر شهری در دسته‌ای از آشکارسازی‌ها به چشم می‌خورند. این را ما دید پی در پی می‌نامیم» (کالن، ۱۳۸۲:۲۰). شاخص‌ها (محصوریت- ایجاد موانع دید در مسیرهای طولانی و مستقیم- ارتباط کالبدی اجزا با یکدیگر و با کل- تداوم حرکت- نظم و تناسب- تعریف اتصالات- تنگ و گشاد شدن فضا- فضاهای ایستا و پویا- عوامل ایجادکننده وحدت و تأکید) (توسلی، ۱۳۸۲؛ غفاری سده، ۱۳۷۱؛ حسینی و رزاقی اصل، ۱۳۸۷؛ Cullen 1966؛ Bosselman 2007؛ Carmona 2007؛ Applyard 1371).

### ۲- پیچیدگی

معیار پیچیدگی به معنای هماهنگی، تنوع، گوناگونی ایجاد وحدت در مناظر شهری می‌باشد. از نظر کالن این معیار باعث تحریک حس بصری و ارتقاء کیفیت فضا خواهد شد. وی در این رابطه می‌نویسد، خصوصیت پیچیدگی در ساختمان‌های امروزی در کمترین حد ممکن به نمایش گذاشته شده، و به نظر می‌رسد برای جلوگیری از منسوخ شدن آن با چیزهای بدیهی، قطعات سنگ، دیوارهای حائل مشبک، تلاش در ایجاد چنین کیفیتی می‌شود (کالن، ۱۳۸۲:۳۲). شاخص‌ها (تنوع در مالکیت‌ها و قلمروها؛ با استفاده از عناصری چون کف، سایه‌بان و ...) - تنوع

در چشم‌اندازهای طبیعی و مصنوعی - منظر قاب شده و لحظه‌ای - تنوع در مسیر حرکت - تفکیک و تقسیم فضا (با عناصری چون طاق، چارچوب و ...) - شکستگی بصری ناگهانی در اثر قطع شدن کف رابط - منظر پنهان شده - پیش‌آمدگی و عقب‌رفتگی - رویداد (جلب توجه ناظر با عناصری چون نشانه‌ها، رنگ، نور، سایه و ...) (توسلی، ۱۳۸۲؛ غفاری سده، ۱۳۷۱؛ حسینی و رزاقی اصل، ۱۳۸۷؛ Cullen 1966؛ Bosselman 2007، Carmona 2007؛ Appleyard، 1971).

### ۳- شگفتی

این معیار به تحریک حس اکتشاف در فضا با ایجاد جذابیت فضا برای ناظر اشاره می‌کند. این امر به نوعی فاش کردن یک راز است، حسی که هر چه بیشتر در آن دقت شود، مفاهیم بیشتری از آن آشکار می‌گردد. در دیده‌های پی در پی لزوم توجه به تفاوت‌ها و تباین‌های کالبدی و بصری، تأکید، اختلاف سطح، در استتار قرار دادن بنا، انحراف، منحصر به فرد بودن و نشانه‌گذاری کردن فضا به منظور ایجاد حس شگفتی در ناظر حائز اهمیت می‌باشد. توجه به موارد فوق، تمایل انسان را برای حضور در فضا و کشف جاذبه‌های آن افزایش داده و باعث سرزندگی فضای شهری خواهد شد. شاخص‌ها (نشانه‌گذاری - تأکید - انتظار - محدود کردن دید عابر - انحراف - تغییر سطح و شکنندگی شیب - توجه به جزئیات - ایجاد موانع دید در مسیرهای طولانی و مستقیم - ایجاد سایه روشن (توسلی، ۱۳۸۲؛ حسینی و رزاقی اصل، ۱۳۸۷؛ Cullen 1966؛ Bosselman 2007، Carmona 2007). روشنایی و فرش کردن خیابان‌ها را نیز می‌توان در چارچوب زیباسازی خیابان‌ها قرار داد، که در شهرهای اسلامی توانستند گوی سبقت را از شهرهای اروپایی برابند. زیرا «در زمانی که شخص می‌توانست با استفاده از روشنایی خیابان‌های شهرهای اسلامی مسافت ده کیلومتر را طی کند، تا هفتصد سال بعد حتی یک چراغ در خیابان‌های لندن یافت نمی‌شد» (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۱۹۱).

### تقسیم‌بندی ابعاد زیبایی در شهر

#### ۱) زیبایی‌شناسی کالبدی

زیبایی تنها در مصادیق کالبدی کاربرد ندارد، بلکه در مصادیق مفهومی و اندیشه شهر هم قابل بررسی است. علاوه بر آن که شهر به عنوان یک واحد می‌تواند مدنظر قرار گرفته و در مورد

زیبایی آن بحث شود، در مورد زیبایی موضوعات مرتبط با آن مثل زیبایی عناصر و اجزاء شهر، زیبایی فضاهای شهری، زیبایی روابط اجتماعی شهر، زیبایی رفتاری اهل شهر و زیبایی منظر عمومی شهر نیز باید بحث و دقت شود. تصمیم‌گیری در مورد ساختار و کیفیت هندسه محیط از مسائلی است که در ارتباط با زیبایی‌شناسی کالبدی مطرح می‌شود.

مولوی (۱۳۸۵) بر اساس تقسیم فضای شهری به فرم و محتوا، به بحث زیبایی‌شناسی کالبدی می‌پردازد. وی معتقد است، فضای شهری را می‌توان به دو بخش زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- فرم (کالبد)

۲- محتوا (معنای فضا است که عملکرد و فعالیت‌ها و نیز بازتاب فضا در اذهان مردم چه به صورت نماد و چه به صورت خاطرات جمعی را شامل می‌شود) (مولوی، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

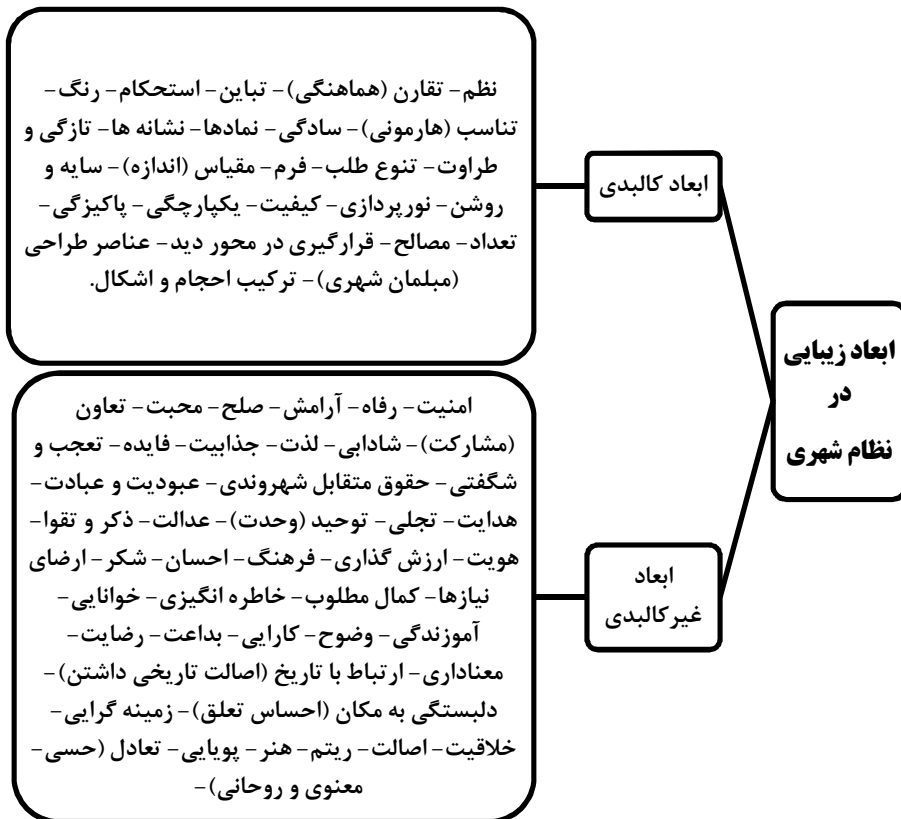
## ۲) زیبایی‌شناسی معنایی

دو دیدگاه در مورد زیبایی‌شناسی ذهنی در فضای شهری وجود دارد: ۱- تجربه‌ای لذت بخش، رها از مفاهیم و بدون هدف عملکردی ۲- در زیباشناسی ذهنی، نه تنها عوامل حسی، بلکه دانش، فرهنگ و الگوهای از پیش تعیین شده نقش دارند.

برای شناخت، ادراک و خلق زیبایی، معیارهایی قابل احصاء هستند که علیرغم تفاوت در جوامع مختلف ممکن است نام‌های مشابهی داشته باشند. اما این جهان‌بینی و فرهنگ هر جامعه است که برای هر معیاری (حتی با نام واحد) تعاریف خاص خود را خواهد داشت که با تعاریف رایج در میان سایر جوامع، متفاوتند. برای هر یک از معیارها، شاخص‌هایی متصور است که آن‌ها را نیز با فرهنگ و محیط هر جامعه تعریف می‌کنند (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۶). در نمودار زیر معیارهای زیبایی‌شناسانه فضای شهری و برخی شاخص‌ها معرفی شده است.



شکل (۱) - تقسیم‌بندی ابعاد زیبایی در نظام شهری



منبع: نگارندگان

**نتیجه‌گیری**

جایگاه و اهمیت زیبایی در تعریف طراحی و ایجاد فضاهای شهری و به تبع آن در مورد شهر تا جایی است که این نظریه مطرح می‌شود که هر فضایی در شهر را نمی‌توان فضای شهری دانست، مگر آنکه بر اساس قواعد زیبایی‌شناسی شکل گرفته باشد (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۲: ۳). این نظر که اصولاً فضای شهری، فضایی است که واجد زیبایی باشد، یا به عبارتی تنها عاملی که توسط

حضور آن می‌توان فضایی را فضای شهری نامید، عامل زیباشناختی است، از آرایه است که توسط برخی نظریه‌پردازان طراحی شهری ارائه شده است (ر.ک: کریر، ۱۳۷۵). از این منظر، فضای شهری فضایی است که زیبا باشد و معیارهای زیباشناسانه در ایجاد آن دخالت داشته باشند و این یعنی: مترادف بودن طراحی شهر با خلق فضای زیبای شهری.

در روند ایجاد محیط و فضایی زیبا در شهر (یا به عبارتی طراحی و ساخت شهر زیبا یا زیبا کردن شهر) توجه به نکاتی به عنوان اساس کار ضرورت دارد که بدون دخول در جزئیات آنها که هر کدام یک بحث مستوفایی را طلب می‌کند به عناوین اصلی آنها اشاره می‌شود:

- باید توجه کرد تا مفاهیمی چون زینت و تزیین و آرایش (اگرچه در مکان‌هایی توصیه می‌شود جایگزین زیبایی نشوند. در این زمینه همچنان که بارها تذکر داده شده است، زینت دهنده، موضوع زینت، نوع زینت، غرض از زینت و موضوع زینت‌شده در ارزش‌گذاری زینت و تعریف مطلوبیت یا عدم مطلوبیت آن و نسبت آن با زیبایی ایفای نقش می‌کنند.
- در زیباسازی شهر یا ایجاد شهر (و فضا و محیط) زیبا نباید تنها بر زیبایی صوری متمرکز بود و سایر مراتب زیبایی را مغفول نهاد. در حقیقت، مجموعه مراتب زیبایی یک شهر باید علاوه بر ادراک حسی انسان و ابزار یک ادراک، سایر قوای مدرکه او را نیز متأثر نموده و در واقع، علاوه بر ادراک حسی، ادراک روانی و معقول و باطنی انسان نیز باید زیبایی شهر را به انسان القاء کنند.
- زیبایی باید بومی و ملی (برآمده از فرهنگ و جهان‌بینی جامعه) و به عبارت ساده با هویت باشد و به تعبیر دیگر، هویتش با هویت جامعه هماهنگ باشد تا جامعه بهتر بتواند آن را درک و با آن رابطه برقرار کرده و در اثر تماس با آن، احساس هویت و استقلال نماید. بزرگ‌ترین اشکال تکرار و تقلید الگوهای زیبایی ماخوذ از الگوهای بیگانه (یا زیبایی‌های خلق شده با معیارهای اجنبی) ایجاد بحران هویت و از خود بیگانگی و احساس حقارت در جامعه است.
- معیارهای مراتب مختلف زیبایی باید در دسترس و مورد شناخت طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران و اهل شهر باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ساحتی از حیات انسان که زیبایی، مابازاء و مرتبط با آن است وجود داشته

باشد. تدوین و اظهار نظر در مورد این معیارها باید از سوی مجموعه‌ای از تخصص‌های مختلف که البته حکما در آن حضور دارند (و بدون اعمال نظرهای آمرانه و ریاست‌مآبانه) انجام شود. توجه داشته باشیم که زیبایی حقیقی است که در هستی وجود دارد و انسان فطرتاً به آن متمایل است.

موضوع بسیار مهمی که امروزه رایج است، موضوع زیباسازی شهر از طریق برخی تزئینات بسیار ابتدایی و ظاهری است، تا جایی که حتی تابلوهای بزرگ تبلیغاتی که مروج مصرف و بسیاری موارد مبلغ فرهنگ بیگانه و حتی اهانت به فرهنگ بومی هستند نیز در قلمرو زیباسازی شهر مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این مؤلفه باید توجه کرد که اولاً نباید اجازه داد که شهر زشت، طراحی و برنامه‌ریزی و ساخته شود تا سپس ناچار به زیباسازی آن (که به تعبیری آرایش و بزک کردن آن است) مجبور شد. ثانیاً در زیباسازی شهر باید زشتی‌ها را شناخت و در امحاء آنها همت گماشت تا شهر زیبا شود، نه اینکه به طریقی زشتی‌ها را به نحوی استتار کرد که در بدو امر ادراک نشوند. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که زیبایی در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری باید به مثابه یک هدف اساسی در نظر گرفته شود.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای و ترجمه سیدمحمد حسین طباطبائی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، و سیمای شهر، آنچه کوبین لنینج از آن می‌فهمید، **فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی**. ش ۵۳.
- توسلی، محمود (۱۳۸۲)، اصل ارتباط در طراحی شهری، **فصلنامه هنرهای زیبا**، شماره ۱۴: ۳۹-۳۲.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹ ه. ش)، **زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام**، تهران، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- حسینی، سیدباقر و رزاقی اصل، سینا (۱۳۸۷)، حرکت و زمان در منظر شهری: انگاره‌ها و مفاهیم طراحی، تهران، **نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران**، شماره ۶: ۸۸-۸۳.
- رفیقدوست، رضا؛ شهبان، پویان (۱۳۸۷)، درآمدی بر شناخت وجوه زیبایی در قرآن با تأکید بر تجلی جمال توحیدی در صفات شهر اسلامی، **پژوهش دینی**، شماره ۱۶.
- سلسله، علی؛ سلسله، محسن (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر، **آرمانشهر**، شماره ۲.

- صارمی، حمیدرضا؛ صارمی، مسعود (۱۳۹۰)، تحلیل جایگاه شهر و زیبایی در هنر اسلامی، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۴.
- عبدالستار، عثمان محمد (۱۳۷۶)، **مدینه اسلامی**، ترجمه علی چراغی، امیرکبیر، تهران.
- غفاری سده، علی (۱۳۷۱)، مبانی طراحی فضاهای متوالی در معماری شهری، تهران، **مجله صفا**، شماره ۶-۷-۸: ۱۷-۲۰.
- کالن، گوردون (۱۳۸۲)، **گزیده منظر شهری**، ترجمه منوچهر طیبیان. انتشارات دانشگاه تهران.
- کریر، راب (۱۳۷۵)، **فضای شهری**، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، تهران، جهاد دانشگاهی.
- مولوی، مهرناز (۱۳۸۵)، پایان نامه دکتری تخصصی شهرسازی با عنوان: **تحلیل زیباشناختی کالبد فضای شهری**، دانشگاه تهران، تهران.
- نقی زاده، محمد (۱۳۷۹ ب)، رابطه هویت سنت معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی، **مجله هنرهای زیبا**، شماره ۷، تابستان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱ الف)، تأثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی، **مجله هنرهای زیبا**، شماره ۱۱، تابستان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۶)، **ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)**، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نقی زاده، محمد، و امین زاده، بهناز (۱۳۸۴)، **فهرست موضوع کلام الهی (در زمینه شهرسازی، معماری، هنر، محیط زیست و علوم اجتماعی)**، انتشارات راهیان، اصفهان.
- Carmona M&S. Tiesdell, (2007), *Urban Design Reaser*, New York Elsevier: 263-307.
- Appleyard D. Lynch K. R. Myer J.(1971), *The View from the Road*, Cambridge MIT press.
- Nasar Jack(1997), *The Evaluative Image of the City*, Ohio State University Sagee Publication.